



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

جایگاه آموزش و پرورش در تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران

زینب مسعودی^۱، صدیقه بشیری^۲، نرجس خاتون شریف نژاد^۳، مجید تختی نژاد^۴

^۱ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد

اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، آموزگار

zeynabmasoudiy@gmail.com

۰۹۱۷۲۰۸۰۱۲۹

^۲ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، آموزگار

اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، آموزگار

bashirisediqe@gmail.com

۰۹۱۷۱۶۰۶۰۷۷

^۳ کارشناسی ارشد، تربیت معلم شیراز

اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، آموزگار

Rezakh260@yahoo.com

۰۹۳۰۷۸۲۹۲۶۸

^۴ کارشناسی، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد

اداره آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس، آموزگار

Majidtakhti64@gmail.com

۰۹۱۶۴۳۶۱۹۳۸

چکیده :

پژوهش حاضر با هدف بررسی «جایگاه آموزش و پرورش در تمدن سازی انقلاب اسلامی ایران» صورت گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و نحوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد. داده‌های گردآوری شده با روش توصیفی و تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی ایران، زمینه سازی در راستای تحقق اهداف متعالی دین اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی و تشکیل تمدن نوین اسلامی ایرانی است. از اهم نهادهای اساسی و زمینه ساز در این مسیر، نظام آموزش و پرورش است. در واقع می‌توان گفت که آموزش و یادگیری، مهم‌ترین زیرساخت تمدن سازی، پایداری و تعالی یک جامعه محسوب می‌شود. جامعه با یادگیری، روح تازه ای پیدا می‌کند و رشد و اعتلا می‌یابد. در حقیقت، آموزش و پرورش باید طوری باشد که از درون آن انسانی توانمند، و کارساز خلق شود که معلمان عنصر اصلی این هدف هستند. فرایند آموزش و پرورش به منزله ی عملی اجتماعی، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت می‌گیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان آموزش و پرورش به شمار می‌آید؛ همچنین آشکار شد که از ظرفیت نیروهای نخبگانی در جهت تعمیق آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برای نقش آفرینی در آموزش و پرورش نباید غافل شد و با وجود آنان باید مانع از بی‌راهه رفتن در زمینه تحلیل نظری و ایجاد گفتمان مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش مطلوب و مورد نظر شد.

واژگان کلیدی: تمدن سازی، انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش، معلمان، فرهنگ



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۱- مقدمه:

برای بازتولید عناصر فرهنگی و تحقق تمدن مورد نظر، تامین نیروی انسانی متناسب با آن تمدن، در هر نظام آموزشی موضوعیت جدی دارد و دغدغه اصلی اکثریت صاحب نظران آن است. تاثیرات اصلی آموزش و پرورش و چگونگی قرارگیری آن در مجرای مناسبات تمدنی و نیز الزامات و کارکرد اصلی آن در جهت انسان سازی همواره مورد بحث فراوانی قرار گرفته و لذا این بیانگر جنبه زمینه سازی و بستر سازی آموزش و پرورش برای تحقق مولفه های فرهنگی و تربیتی تمدن مورد نظر است.

برای پی ریزی تمدن مطلوب، شناخت صحیح و شناساندن فاکتورهای اصلی آن نظیر عناصر و ویژگی های هویتی و تاریخی، وجود یک دستگاه عظیم و گسترده را برای نشر خود می طلبد و نهاد تعلیم و تربیت و بالتبع آموزش و پرورش رسالت این امر خطیر را بر عهده دارد. آنچه که در این بین عمومیت دارد، این است که آموزش و پرورش به عنوان سازوکار اصلی امر تعلیم و تربیت نیروی انسانی مطلوب، دارای نقش ویژه و به خصوصی می باشد.

مشخص و روشن است که هر تمدنی برای تضمین بقا و پایداری خود و نیز دوام عناصر اصلی هویتی، ناچار است که مجاری آموزش و پرورش را طوری بنا کند که برای پاسخ به نیازهای اصلی خود باشد.

در واقع می توان گفت که آموزش و یادگیری، مهم ترین زیرساخت تمدن سازی، پایداری و تعالی یک جامعه محسوب می شود. جامعه با یادگیری، روح تازه ای پیدا می کند و رشد و اعتلا می یابد. در حقیقت، آموزش و پرورش باید طوری باشد که از درون آن انسانی توانمند، و کارساز خلق شود که معلمان عنصر اصلی این هدف هستند. اهدافی که نهاد آموزش و پرورش دنبال می کند، این است که بتواند در حقیقت هر فرد را طبق الگوی اعتقادی و ارزش های فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی خود تربیت کند و خروجی آن، انسانی باشد متناسب و شایسته و همچنین منطبق با معیارهای خود.

بر این مبنا می توان گفت که هر جامعه ای از انسان و شخص مطلوب خود تصور و ذهنیتی دارد و غایت و مقصود معینی برای آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت قائل است. در همین راستا تلاش دارد تا اشخاص و یا به قولی مریبان خود را بر اساس این تصور و ذهنیت ها تربیت کند. لذا برای تعیین اهداف؛ لازمه اصلی آن در نظر گرفتن ملاحظات دینی، فلسفی، هنری، سیاسی و اجتماعی است.

با توجه به این تعریف، رابطه مستقیم و هماهنگی میان آموزش و پرورش و جامعه وجود دارد. با در نظر گرفتن نیاز آموزشی انسان برای ایفای نقش در زمینه فرهنگ و تمدن سازی، این نهاد جزئی مهم از این کل ارگانیک است (رئیس پور و فرمانی، ۱۳۹۱).

شاخص ترین و بارزترین جلوه های فرهنگ یک جامعه، دستگاه آموزش و پرورش به شمار می آید. یعنی همان دانش و معرفتی که توسط نسل های گذشته بر آنان که هنوز آماده زندگی اجتماعی را ندارند، اعمال می شود و مقصود آن یافتن و پرورش آن دسته از حالات جسمانی، اخلاقی و فرهنگی در شخص است که یک جامعه به طور کلی با محیط خاصی که در آن زندگی می کند از او توقع دارد. (منافی و همکاران، ۱۳۹۱)

آموزش و پرورش در ابعاد مختلف زندگی انسان نقش فراوانی دارد. می توان گفت که این آموزش و پرورش است که اشخاص گوناگون را با تمام ویژگی های متفاوت فردی آموزش می دهد و روانه یک جامعه می کند و نقش های بعضا اجتماعی خود را ایفا می کنند. پس باید گفت که نقش آموزش و پرورش در ایجاد یک تمدن و جامعه، بیش از سایر نهاد ها می باشد (صیادی، ۱۳۹۱)

آموزش و پرورش یک نهاد عمومی به حساب می آید، دارای کارکرد مهمی است جهت اینکه بتواند بقای جامعه را تضمین کند و شرایط لازم برای تدام و حفظ حیات آن را فراهم کند. البته این را هم باید پذیرفت که نوع کارکرد آن در جوامع مختلف و دوره های تاریخی می تواند کاملا متفاوت باشد (در دسلر و ویلیس، ۱۳۸۸).

در قرن اخیر و با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما روح جدیدی در کالبد اسلام دمیده شد و با روی کار آمدن حکومتی سیاسی بر مبنای اصول اسلامی، امید تازه ای جهت ظهور تمدنی نوین براساس آموزه های اسلام شکل گرفت و این نیز از آن جا ناشی می شود که از اهداف و آرمان های اساسی این انقلاب «احیای تمدن اسلامی» است. اما در کشور ما علی رغم گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد نظام اسلامی



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

برای تحقق پیشرفت همه جانبه که در واقع همان تمدن نوین اسلامی بود، کشور مستلزم پیشرفت در دو بُعد بوده؛ بُعد ابزاری و بُعد محتوایی. پیشرفت در بُعد ابزاری این تمدن تاکنون مطلوب بوده است، اما در بُعد فرهنگی که بُعد محتوایی تمدن اسلامی است، پیشرفت در خور توجهی حاصل نگردیده است. شیوه‌های رفتاری در جامعه ما متأسفانه شایسته ی جامعه و تمدنی که منادی آن هستیم، نیست. اگر باور داشته باشیم که توسعه ی فرهنگ اسلامی، بسترساز تمدن نوین اسلامی ایرانی است. یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه ی فرهنگ اسلامی-ایرانی، تربیت فردی و اجتماعی مطابق با اصول این فرهنگ است که در این میان عرصه ی تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های دستیابی به این هدف است. تحول در نظام آموزش و پرورش که چند سالی است در کشور آغاز گردیده است اگر به نحو مطلوبی عملیاتی گردد نقش مهم خود را در شکل گیری تمدن نوین اسلامی ایرانی ایفا خواهد کرد. لذا پرسش اساسی این است که نظام آموزش و پرورش چگونه می‌تواند در شکل گیری این تمدن نوین موثر باشد؟

هدف اصلی

نقش آموزش و پرورش در تمدن سازی انقلاب اسلامی

سوال اصلی

نظام آموزش و پرورش چگونه می‌تواند در شکل گیری این تمدن نوین موثر باشد؟

در این پژوهش از روش گردآوری کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. در این خصوص تعدادی از مقالات و کتب مرتبط با این موضوع را مطالعه نموده و از ابزار اصلی ما که فیش برداری بود؛ در راستای پاسخ دهی به سوالات پژوهش استفاده شد و در نهایت موارد و داده‌های مرتبط با فرایند پژوهش را یادداشت کرده و ارائه شده است.

۲- روش تحقیق:

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی داده‌ها گردآوری شده‌اند. داده‌های گردآوری شده مرتبط با موضوع جمع‌آوری و بر اساس رویکرد توصیفی و تحلیلی، بررسی شده‌اند.

۳- یافته‌های پژوهش:

آموزش و پرورش

تاکنون تعریف واحد یا جامع و مانعی از «آموزش و پرورش» به دست نیامده است و اهل نظر، هر یک بر پایه تفکرات و تجربیات خود، تعریفی از آن ارائه داده‌اند. در ادامه به چند مورد از این تعاریف اشاره می‌گردد: آموزش و پرورش مجموعه منظمی از اعمال و رفتار است؛ به بیان دیگر آموزش و پرورش فعل و انفعالی است میان دو قطب سیال (آموزگار و فراگیر) که مسبوق به اصلی و متوجه هدفی و مستلزم برنامه‌ای است (پور امینی، ۱۳۸۹).

جان دیویی: آموزش و پرورش دوباره ساختن یا سازمان دادن تجربه است، به منظور اینکه معنای تجربه گسترش پیدا کند و برای هدایت و کنترل تجربیات بعدی، فرد را بهتر قادر سازد.

آموزش و پرورش هنر یا فنی است که به صورت راهنمایی یا حمایت نیروهای طبیعی و استعدادهای فراگیر (متربی)، و با رعایت قوانین رشد طبیعی و با همکاری خود او برای زیستن تحقق می‌پذیرد (ژان ژاک روسو) (تقی پور ظهیر، ۱۳۸۹)

تمدن

برای واژه تمدن نیز همانند فرهنگ معانی و تعاریف گوناگونی وجود دارد، برای مثال باستان شناسان تمدن را به وجود آثار هنری و باستانی گفته‌اند، مورخین میراث گذشته یک جامعه را که به نسل آینده منتقل می‌شود تمدن به حساب آورده‌اند. سیاسیون آن را به برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور تعبیر نموده‌اند. و هر یک از دریچه و روزنه ای خاص بدان پرداخته‌اند که هیچ یک مفهوم کاملی را ارائه نمی‌کند. به عقیده جامعه شناسان تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر دانش‌های جدید قرار می‌گیرند و به نهایت ترقی و علوم و



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



فنون دست می‌یابند. ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (شریعتی، ۱۳۷۵).
در تعریفی دیگر می‌توان تمدن را مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است.
از نظر ساموئل هانتینگتون، تمدن بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴).
این خلدون تمدن را اجتماعی شدن انسان می‌داند. اندیشمند دیگری تمدن را مجموعه‌ای از عوامل اخلاقی و مادی می‌داند که به جامعه فرصت می‌دهد، برای هر فردی از افراد خود، در هر مرحله ای از مراحل زندگی، از کودکی تا پیری، همکاری لازم را برای رشد به عمل آورد (ابن خلدون، ۱۳۶۶).

تمدن‌سازی

با درک دقیق واژه تمدن، خواهیم توانست به درک مفهوم تمدن‌سازی برسیم. در واقع تمدن‌سازی را می‌توان تلاش و کوشش ملت یا جامعه صاحب تمدن در جهت ایجاد مقبولیت عمومی و حتی در سطح جهانی از تمدن مدنظر خود و استفاده از دستاوردهای آن دانست؛ لذا تمدن‌سازی را می‌توان حرکت هوشمندانه ملت و یا بخشی از ملت به سوی استقرار دستاوردهای مورد قبول و خواست آنها دانست. ملت ممکن است خود دارای تمدن باشد؛ اما تمدن‌سازی نکند و بالعکس ملتی ممکن است دارای تمدنی ضعیف‌تر باشد، اما به سوی تمدن‌سازی حرکت کند (گودرزی، ۱۳۹۴).
تولد هر تمدن نتیجه آگاهی و بصیرت تاریخی مجموعه انسانی در مورد ابعاد مادی و معنوی نیازهای خود است؛ از اینرو شکل‌گیری هر تمدنی نیازمند دو مؤلفه است: ۱) آگاهی جمعی ۲) تداوم تاریخی این آگاهی. زمانی که این بصیرت تاریخی افول کند، تمدن نیز سیر قهقراپی را در پیش می‌گیرد. بصیرت تاریخی، امکان تداوم تولیدات عینی را در آینده می‌دهد؛ لذا تداوم آن شرط لازم توسعه مادی تمدن است. از سوی دیگر بصیرت تاریخی هر تمدن، پیوسته باید ظرفیت‌های تازه‌های را در خود ایجاد کند تا بتواند برای شرایط و نیازهای جدید پاسخی بیابد (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸).

ارتباط آموزش و پرورش و تمدن

آموزش و پرورش، زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تمدن‌های کهن و پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته امروز نشان می‌دهد که همه‌ی این تمدن‌ها و پیشرفت‌ها، علم و دانش بوده است. پس بدون شک زیربنای تشکیل یک تمدن، علم و فرهنگ است؛ امروزه ایجاد جامعه‌ای با یک فرهنگ منسجم و هویت مشترک از جمله وظایف نظام آموزش و پرورش است. برای ایجاد این انسجام سیستم آموزشی باید مولفه‌های این فرهنگ را با هم تغییر و انتقال دهد تا فاصله و تاخیری بین این جنبه‌ها برای برای رسیدن به تکامل ایجاد نشود. آموزش و پرورش هم از طریق کارکرد فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری و هم از طریق ارتقاء، پرورش و رشد حوزه‌های ادراکی، شناختی و ارزشی و گرایش‌های انسان‌ها محور و قلب توسعه فرهنگی و شکل‌گیری تمدن است. و می‌توان به واقع بیان داشت که شکل‌گیری یک تمدن با آموزش و پرورش ارتباط همه جانبه دارد.

زمینه‌سازی آموزش و پرورش در جهت شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی- ایرانی

با اذعان به اینکه علم، دانایی و فرهنگ، محور و بنیان شکل‌گیری تمدن است و شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی در چند قرن پیش نیز از این قاعده مستثنی نبوده و عامل اصلی ظهور این تمدن، تعالیم قرآن کریم و سیره‌ی پیامبر اکرم و ائمه معصومین و تأکیدات فراوان دین مبین اسلام بر علم و علم‌آموزی بوده است. هم اکنون نیز ما اگر درصدد احیای تمدن نوین اسلامی هستیم می‌بایست علم، دانایی و خردورزی و در یک کلام، آموزش و پرورش ابزار اساسی کار ما باشد. آموزش و پرورش‌ی که ارکان، اساس، اهداف و اصول آن برگرفته از آموزه‌های اسلام ناب باشد.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



در سال‌های اخیر سندی تحت عنوان سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کشور تدوین و اجرای آن آغاز گردیده است که اگر به صورت کامل و دقیق اجرا گردد سهم مهمی در زمینه سازی شکل گیری تمدن نوین اسلامی خواهد داشت. (بسته اجرایی سبک زندگی پایدار اسلامی- ایرانی در مدارس ۱۳۹۱).

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل موثر بر شکل گیری تمدن‌های کهن و پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته امروزی نشان می‌دهد که همه این تمدن‌ها و پیشرفت‌های علم و دانش بوده است. پس بدون شک زیر بنای تشکیل یک تمدن، علم و فرهنگ آن است. آموزش و پرورش هم از طریق کار کرد فرهنگ پذیری و جامعه پذیری و امروزه ایجاد جامعه ای با یک فرهنگ منسجم و هویت مشترک از جمله وظایف نظام آموزش و پرورش است. برای ایجاد این انسجام سیستم آموزشی باید مولفه‌های این فرهنگ را با هم تغییر و انتقال دهد تا فاصله و تاخیری بین این جنبه‌ها برای رسیدن به تکامل ایجاد نشود هم از طریق ارتقاء، پرورش و رشد حوزه های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها محور و قلب توسعه فرهنگی و شکل گیری تمدن است. و می‌توان به واقع بیان داشت که شکل گیری یک تمدن با آموزش و پرورش ارتباط همه جانبه دارد (پورموسوی، ۱۳۹۴).

محصول تعالی فرهنگ و دانش تمدن است. جامعه‌ای که نظم اجتماعی را آن پذیرا باشد و در یک زندگی جمعی، با بهره گیری از علم به رشد، تعالی و کسب فضایل و ارزش‌های اخلاقی بی‌اندیشد، یک جامعه متمدن به شمار می‌آید. فرایند آموزش و پرورش به مثابه یک عمل اجتماعی، در بستر فرهنگ یک جامعه و نیز با پشتیبانی آن انجام می‌گیرد و لذا انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی آموزش و پرورش محسوب می‌شود. یک تمدن، قطعاً به آرمان و ارزش‌های عمومی و مشترکی که بین عموم فرهنگ‌ها مشترک است، نظیر امنیت، ثبات و عدالت اجتماعی، اقتصادی و نیز استقلال سیاسی توجه خاص و بالخصوصی نشان می‌دهد و نقشی که آموزش و پرورش در زمینه تکوین فرهنگ جامعه مدنی و احیاء اندیشه‌ها و بینش‌های مکتبی در جهت تقویت انسان دوستی و اعتدال فرهنگی از لحاظ فردی و اجتماعی و نهادینه سازی استقلال ملی و مکتبی نشان می‌دهد ملاموس است (صیادی، ۱۳۹۱).

برای همین برنامه ریزی اهداف آموزش برای پاسخ به نیازهای های جامعه اولاً باید متناسب باشد با زمان و و ثانیاً ساختارهای آموزشی در جهت ارتقاء کمی و کیفی جامعه اعم از مادی، معنوی، علمی و فرهنگی با شرایط جغرافیایی خود مانوس شده و با آن همسو گردد. به طور کلی نهاد آموزش و پرورش، اهدافی دارد که نشأت گرفته از آرمان‌های آن است. آرمان‌های ملی و آرمان‌های جهانی و مقوله بسیار مهم و قابل توجه می‌باشند که مختصراً به آن اشاره می‌گردد.

آرمان‌های ملی: به آن دسته از آرمان‌هایی که گفته می‌شود که از فرهنگ ملی آن تاثیر می‌پذیرد و اهداف مختلف سیاسی و اجتماعی و ... هر جامعه ای را دنبال می‌کند. به طور کلی آرمان‌های آموزش و پرورش از نظر بعد زمان، جز اهداف بعید و دوررس محسوب می‌شود و از نظر سیاست ملی، اهداف نهایی و کمال مطلوب امال ملی را مشخص می‌کند.

آرمان‌های جهانی به آن دسته از آرمان‌هایی گفته می‌شود که از مرزهای جغرافیایی و سیاسی فراتر می‌رود و متضمن رسالتی است که آموزش و پرورش باید در پایدار ساختن تفاهم صلح و امنیت، برابر ساختن فرصت‌ها و گسترش مرزهای دانش و معرفت در سراسر نقاط جهان بر عهده می‌گیرند. با در نظر گیری هر کدام از این آرمان‌ها، رسالت‌ها و ماموریت‌هایی متوجه آموزش و پرورش می‌شود که لزوم وجود یک برنامه ریزی آموزشی به منظور تحقق بخشیدن به آنها احساس می‌شود.

اکثریت صاحب نظران تعلیم و تربیت شرط موفقیت یک نظام آموزشی را در وهله اول مستلزم نوعی از سیاستگذاری آموزشی می‌دانند که در آن نقاط قوت و ضعف و نیز شناسایی جایگاه کنشگران مختلف در جامعه مورد مطالعاتی در دست بررسی قرار بگیرد. نظام آموزشی به کندی و اهستگی تغییر می‌کند و نیاز مند یک فرایند پیچیده برنامه ریزی و اجرای برنامه‌ها هست. چالش‌های پیش روی عموم نظام‌های آموزشی در حال حاضر نیازمند دانش جدید و به روز درباره اولویت‌های سیاسی و دخالت‌های موثر برای تغییرات مورد انتظار است. این را هم باید در نظر داشت که یکی از الزامات و یا طبقه بندی شیوه‌های سیاستگذاری در آموزش و پرورش طبقه بندی آنها به :

۱- نظام مند



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes

۲- تدریجی

۳- موقتی

۴- واراتی است.

اصولا می‌توان در شرایط ویژه به ترکیب تعدادی از این شیوه‌ها اقدام کرد و نیز باید هر جامعه متناسب با الزامات مختلف فرهنگی و یا سیستمی نظام آموزشی خود آن‌ها را به کار بگیرد و در فضای عمومی و نخبگانی حوزه تعلیم و تربیتی خود به بحث و نقد و نظر بگذارد (جعفری نسب و صلاحه، ۱۳۹۹)

فی الواقع «بی شک آموزش و پرورش مهم‌ترین نقش را در توسعه یک کشور ایفا می‌کند و بهبود کارکرد آن اولین کاری است که دولت‌ها باید در برنامه‌های طولانی مدت خود داشته باشند و به آن توجه کنند. زیرا یکی از علائم حیات و زنده بودن ملت‌ها ملتفت بودن و توجه داشتن به مفاخر گذشته فلسفی، علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ملی آن است که این گذشتگان حاصل تلاش‌های خود را با وجود گذشت روزگار و سیر زمان و وقوع حوادث ناگوار، برای آیندگان خود به میراث گذاشته‌اند که باید در حفظ آنها کوشا بود (هاشمی و ولیخان نیا، ۱۳۹۹) این نکته را هم باید مدنظر قرار داد که یک جامعه بدون مشکل، دارای یک نظام آموزشی بی عیب و نقص و فاقد اشکالات اساسی است، در این صورت جامعه مذکور به رشد، اعتلا و بالندگی خواهد رسید. اگر در حل اشکالات آموزش و پرورش یک جامعه اقدامات اساسی صورت نگیرد؛ می‌توان شاهد یک نظام آموزشی به شدت ناکارآمد بود که از استانداردهای جهانی خارج است و بالتبع در حل مسائل خویش اساسا ناتوان و فاقد بنیه خواهد بود. پس می‌توان گفت ثمر بخشی آموزش و پرورش از جهت تبدیل کردن انسان‌های توانمند به انسان‌های سالم، متعادل و.. و از سوی دیگر تامین کننده نیازهای نیروی انسانی در جامعه در بخش‌های مختلف اقتصادی و ... موجب شده است که همه دولت‌ها اعم از بزرگ و کوچک، توسعه یافته تا توسعه نیافته، پرداختن به آموزش و پرورش را جزء اولویت‌ها و وظایف اساسی خود قلمداد کنند (هاشمی و ولیخان نیا، ۱۳۹۹).

این را نیز باید به خاطر داشت که نقش و وظیفه نیروی‌های نخبگانی فعال در امر تعلیم و تربیت، این است که مانع از آن شود تا ضعف در برداشت مباحث و مفاهیم تئوری در تحلیل مسائل آموزش و پرورش صورت گیرد و اینکه مانع ایجاد گفتمان نوع نگاه غیر بومی و حل مسائل آن در آموزش و پرورش شوند و مشکلاتی را از این جهت برای سرمایه‌های اجتماعی خود به بار نیاورند.



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



۴- بحث و نتیجه گیری

در تمامی دنیا، موتور محرکه پیشرفت و توسعه آموزش و پرورش محسوب شده است و از این جهت که به عنوان مسیری کلیدی و حیاتی محسوب می‌شود جنبه‌های مختلف آن همواره مورد تاکید قرار گرفته است و به عنوان تنها مسیر باز تولید مولفه‌های فکری و فرهنگی جامعه اهمیت، ضرورت و نقش وجودی و کارکرد اساسی آن در جامعه، در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. فرایند آموزش و پرورش به منزله ی عملی اجتماعی، لاجرم در بستر فرهنگ جامعه و به پشتیبانی آن صورت می‌گیرد و از این رو انتقال فرهنگ و ارتقای آن از کارکردهای اصلی جریان آموزش و پرورش به شمار می‌آید. لذا بهره مندی مناسب از ذخایر ارزشمند فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی در همه ی مراحل و انواع تربیت و نیز زمینه سازی برای تعامل فعال فرهنگ بومی با دیگر فرهنگ‌ها، از مهم‌ترین سازوکارها برای تکوین و تعالی هویت ملی و دینی فراگیران خواهد بود. با این اوصاف در راستای تمدن سازی، اجرای همه جانبه ی اسلام تنها در قالب فرایند نوسازی جامعه از مجرای آموزش و پرورش میسر است. آموزش و پرورش از طریق تبیین اهداف جامعه بر اساس موازین شریعت اسلام، ایجاد آگاهی و گرایش نسبت به اسلام، انتقال ارزش ها و آداب اسلامی، ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی، تربیت فردی و اجتماعی، تولید علم و فناوری و زمینه سازی جهت دستیابی به رفاه نسبی، زمینه ی لازم جهت شکل گیری تمدن اسلامی ایرانی فراهم می‌نماید. سیاستگذاران، همواره باید آموزش و پرورش را به عنوان اولویت اول و اساسی خود برای تعالی، توسعه و پیشرفت یک جامعه و تمدن مورد بررسی قرار دهند و به چالش‌های سیاستگذاری در نظام آموزشی توجه لازم را داشته باشند و در فرایند سیاستگذاری الزامات تربیتی و فرهنگی جامعه خود را در نظر بگیرند؛ همچنین آشکار شد که از ظرفیت نیروهای نخبگانی در جهت تعمیق آرمان‌ها و ارزش‌های یک جامعه برای نقش آفرینی در آموزش و پرورش نباید غافل شد و با وجود آنان باید مانع از بی راه رفتن در زمینه تحلیل نظری و ایجاد گفتمان مورد نظر در زمینه آموزش و پرورش مطلوب و مورد نظر شد



کنفرانس ملی مطالعات کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت

National Conference on Applied Studies in Education Processes



وزارت آموزش و پرورش
انجمن ملی آموزش و پرورش استان خراسان
معاونت آموزش و پرورش شهرستان مشهد

موسسه علمی آموزش و پرورش
انجمن ملی
شماره ملی: ۰۲۱۱۵۵۰۷۳۳۰

دانشگاه هرمزگان
Hormozgan University

منابع

- پورموسوی، م. ۱۳۹۴. بررسی نقش آموزش و پرورش، زمینه سازی تمدن نوین اسلامی. دومین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی و سبک زندگی.
- جعفری نسب، م. سلاجقه، ۱۳۹۹.۱ بررسی و تبیین چالش های نظام سیاستگذاری آموزش و پرورش در ایران. ششمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه های علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری
- دردسلر، د. ویلیس، و. ۱۳۸۹. هوشمند، م. انتشارات اطلاعات. ۵۹۵ صفحه
- رئیس پور، ع. فرمانی، ۱۳۹۱. میزان اثربخشی مدرسه بر توسعه اخلاقی دانش آموزان، مجموعه مقالات اولین کنفرانس مدیریت، نوآوری و وسع. انتشارات جباری
- صیادی، ز. ۱۳۹۱. نقش آموزش و پرورش در تحقق جامعه مدنی. اولین کنفرانس ملی پژوهش های کاربرد در فرایندهای تعلیم و تربیت
- هاشمی، پ. ولیخان نیا، ۱۳۹۹. یا آموزش و پرورش ایران توانایی پذیرش و اجرای شیوه های موفق تعلیم و تربیتی کشور های پیشرفته را دارد؟ پنجمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار.
- منافی شرف آباد، ک. زمانی، ۱۳۹۱. نقش نظام آموزش و پرورش.
- این خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۶، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تقی پور ظهیر، علی، ۱۳۸۹، اصول و مبانی آموزش و پرورش، اصفهان: نشر پیام دانشگاهی.
- شریعتی، علی، ۱۳۷۵، تاریخ تمدن، تهران: انتشارات قلم.
- وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱، بسته اجرایی سبک زندگی پایدار اسلامی ایرانی در مدارس: تهران، مولف - .
- هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۴، نظریه برخورد تمدنها، ترجمه مجتبی امیری، تهران: نشر نی.
- خرمشاد، محمدباقر و آدمی، علی (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن ساز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، ش ۱۸۸: ۱۶۱-۱۸۸.
- گودرزی، غلامرضا ۱۳۹۴، الگوسازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز؛ برداشتی از روش متدولوژی سیستم های نرم (SSM) فصلنامه علمی، پژوهشی مشرق موعود، س نهم، ش ۳۴.
- پورامینی، محمدباقر، ۱۳۸۹، تمدن اسلامی، تهران: کانون اندیشه جوان.